



آیا حدیث مرگ عبدالله سندیت دارد

بر حجاز مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی درچشمش انحراف می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او!

بر حجاز مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی درچشمش انحراف می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او! **خبرگزاری فارس - حجت‌الاسلام محمدرضا شهبازیان** (کارشناس مهدویت): چندی قبل به مناسبت نقد یکی از فرقه‌ها و استدلال یکی از سخنرانان در محیطی دانشگاهی و تعدادی سایت در بحث نشانه‌های ظهور، به روایتی با این متن اشاره کردم و آن را جعلی و ساختگی معرفی کردم، روایت این است:

«عن مسند احمد عن النبی(صلی الله علیه وآله): یحکم الحجاز رجل اسمه علی اسم حیوان اذا رایته حسبت فی عینه الحول من البعید و اذا اقتربت منه لا تری فی عینه شیئا، یخلفه له أخ اسمه عبدالله، ویل لشیعتنا منه -أعاده ثلاثا- بشرونی بموته أبشركم بظهور الحجة» (1)

رسول خدا(ص) فرمود: بر حجاز (عربستان) مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی درچشمش انحراف (چیپی) می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او! پس این جمله را سه بار تکرار کرد، بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم. در نقد آن چنین گفته و نوشته‌ام:

اولین منبع نقل این روایت، کتاب «250 علامة حتى ظهور الامام المهدي(ع)»، اثر محمدعلی طباطبایی حسنی است و نگارنده نیز در منبع دیگر بدان برخورد نکرده. (2)

با مراجعه به کتاب مسند احمد بن حنبل و سایر متون روایی شیعه و سنی روشن می‌شود که این روایت وجود خارجی نداشته و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است، جالب اینکه نویسنده کتاب «250 علامت»، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی ندیده است و در استناد آن به مسند احمد و رسول خدا(ص) چنین می‌گوید: «هذا الخبر نقله إلى أحد الفضلاء المطلعين» (3)، این خبر را یکی از فضلاء مطلع !!! برای من نقل کرده است.

پس از نقل این مطلب تعدادی از دوستان دانشگاهی تماس گرفته‌اند که آدرس این حدیث را پیدا کرده‌ایم و جعلی نیست!!!

در توضیح این اشتباه عزیزان نکاتی را عرض کردم، اما لازم دیدم تا مجدد تذکر دهم. قبل از نقد آن به متن روایت دقت کنید:

«عن أبي بصير قال سمعتُ أبا عبد الله ع يقول من يضمن لي موت عبد الله أضمن له القائم ثم قال إذا مات عبد الله لم يجتمع الناس بغدة على آخر و لم يمتنا هذا الأمر دون صاحبكم إن شاء الله و يذهب ملك السنين و يصير ملك الشهور و الأيام فقلت يطول ذلك قال كلا؛ ابوبصير روایت می‌کند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) می‌فرمود: هر کس مردن عبدالله را برای من ضمانت کند، من هم آمدن قائم را برای او ضمانت می‌کنم، بعد از آنکه عبدالله مرد، دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی‌کنند و این امر به خواست خدا به صاحب شما منتهی می‌شود و بعد از آن سلطنت سال‌ها از بین می‌رود و به سلطنت ماه‌ها و روزها تبدیل می‌شود، عرض کردم: آیا آن زمان طول می‌کشد؟ فرمود: نه! (الغیة، شیخ طوسی، ص 447)

نکاتی در مورد این روایت:

1. این روایت هیچ ارتباطی با آنچه بنده نقد کرده‌ام ندارد و محتوای دو روایت مشابه نیست.
2. اولین و تنها مصدر نقل این روایت کتاب غیبت شیخ طوسی است و تمامی منابع بعدی از ایشان نقل کرده‌اند، پس از منفردات شیخ طوسی است و منفردات شیخ طوسی محل تأمل است.
3. این روایت هیچ دلالتی بر کشور حجاز و عربستان ندارد و آیت‌الله کرانی به صورت استنباط شخصی این نکته را به روایت نسبت داده‌اند که نمی‌توان سخن ایشان را پذیرفت.
4. این روایت مشخص نمی‌کند که مراد از عبدالله کیست و حداقل در زمان ما می‌تواند به پادشاه عربستان و اردن تطبیق یابد و الزامی در تطبیق آن به پادشاه عربستان نیست.
5. علی بن یوسف بن المطهر حلی برادر علامه حلی و متوفای 703 هـ در کتاب خود مراد از این عبدالله را آخرین پادشاه بنی العباس(عبدالله المستعصم-656 ق-) می‌داند و واقعه‌ای است که رخ داده است. (ر.ک. العدد القویة، ص78)

*پی‌نوشت‌ها:

1. مائتان وخمسون علامة حتى ظهور، ص 137
2. این فرد خود را به صورت خود خوانده علامه معرفی می‌کند و مبلغینی از احمد، جهت انحراف ذهن مخاطبان از او با عنوان علامه طباطبایی نام می‌برد تا گمان شود نویسنده کتاب، علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان است!
3. همان، ص 137 - See more at : <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931021001268#sthash.Dz1iDtAk.dpuf>

بر حجاز مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی درچشمش انحراف می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او!

خبرگزاری فارس - حجت‌الاسلام محمدرضا شهبازیان(کارشناس مهدویت): چندی قبل به مناسبت نقد یکی از فرقه‌ها و استدلال یکی از سخنرانان در محیطی دانشگاهی و تعدادی سایت در بحث نشانه‌های ظهور، به روایتی با این متن اشاره کردم و آن را جعلی و ساختگی معرفی کردم، روایت این است:

«عن مسند احمد عن النبی(صلی الله علیه وآله): یحکم الحجاز رجل اسمه علی اسم حیوان اذا رایته حسبت فی عینه الحول من البعید و اذا اقتربت منه لا تری فی عینه شیئا، یخلفه له أخ اسمه عبدالله، ویل لشیعتنا منه -أعاده ثلاثا- بشرونی بموته أبشركم بظهور الحجة» (1)

رسول خدا(ص) فرمود: بر حجاز (عربستان) مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی درچشمش انحراف (چی) می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شدی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او! پس این جمله را سه بار تکرار کرد، بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم.

در نقد آن چنین گفته و نوشته‌ام:

اولین منبع نقل این روایت، کتاب «250 علامه حتی ظهور الامام المهدي(ع)»، اثر محمدعلی طباطبایی حسنی است و نگارنده نیز در منبع دیگر بدان برخورد نکرده. (2)

با مراجعه به کتاب مسند احمد بن حنبل و سایر متون روایی شیعه و سنی روشن می‌شود که این روایت وجود خارجی نداشته و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است، جالب اینکه نویسنده کتاب «250 علامت»، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی ندیده است و در استناد آن به مسند احمد و رسول خدا(ص) چنین می‌گوید: «هذا الخبر نقله إلى أحد الفضلاء المطلعين» (3)، این خبر را یکی از فضلاء مطلع !!! برای من نقل کرده است.

پس از نقل این مطلب تعدادی از دوستان دانشگاهی تماس گرفته‌اند که آدرس این حدیث را پیدا کرده‌ایم و جعلی نیست!!! در توضیح این اشتباه عزیزان نکاتی را عرض کردم، اما لازم دیدم تا مجدد تذکر دهم.

قبل از نقد آن به متن روایت دقت کنید:

«عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ وَلَمْ يَتَّهَذَا هَذَا الْأَمْرُ دُونَ صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ يَذْهَبُ مُلْكُ السَّيِّئِينَ وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ فَقُلْتُ يَطُولُ ذَلِكَ قَالَ كَلَّا؛ ابوبصير روایت می‌کند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) می‌فرمود: هر کس مردن عبدالله را برای من ضمانت کند، من هم آمدن قائم را برای او ضمانت می‌کنم، بعد از آنکه عبدالله مرد، دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی‌کنند و این امر به خواست خدا به صاحب شما منتهی می‌شود و بعد از آن سلطنت سال‌ها از بین می‌رود و به سلطنت ماه‌ها و روزها تبدیل می‌شود، عرض کردم: آیا آن زمان طول می‌کشد؟ فرمود: نه! (الغيبة، شیخ طوسی، ص 447) نکاتی در مورد این روایت:

1. این روایت هیچ ارتباطی با آنچه بنده نقد کرده‌ام ندارد و محتوای دو روایت مشابه نیست.
2. اولین و تنها مصدر نقل این روایت کتاب غیبت شیخ طوسی است و تمامی منابع بعدی از ایشان نقل کرده‌اند، پس از منفردات شیخ طوسی است و منفردات شیخ طوسی محل تأمل است.
3. این روایت هیچ دلالتی بر کشور حجاز و عربستان ندارد و آیت‌الله کورانی به صورت استنباط شخصی این نکته را به روایت نسبت داده‌اند که نمی‌توان سخن ایشان را پذیرفت.
4. این روایت مشخص نمی‌کند که مراد از عبدالله کیست و حداقل در زمان ما می‌تواند به پادشاه عربستان و اردن تطبیق یابد و الزامی در تطبیق آن به پادشاه عربستان نیست.
5. علی بن یوسف بن المطهر حلی برادر علامه حلی و متوفای 703 هـ در کتاب خود مراد از این عبدالله را آخرین پادشاه بنی العباس(عبدالله المستعصم-656 ق-) می‌داند و واقعه‌ای است که رخ داده است. (ر.ک. العدد القویة، ص 78)

*پی‌نوشت‌ها:

1. مائتان وخمسون علامه حتی ظهور، ص 137
2. این فرد خود را به صورت خود خوانده علامه معرفی می‌کند و مبلغینی از احمد، جهت انحراف ذهن مخاطبان از او با عنوان علامه طباطبایی نام می‌برند تا گمان شود نویسنده کتاب، علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان است!
3. همان، ص 137